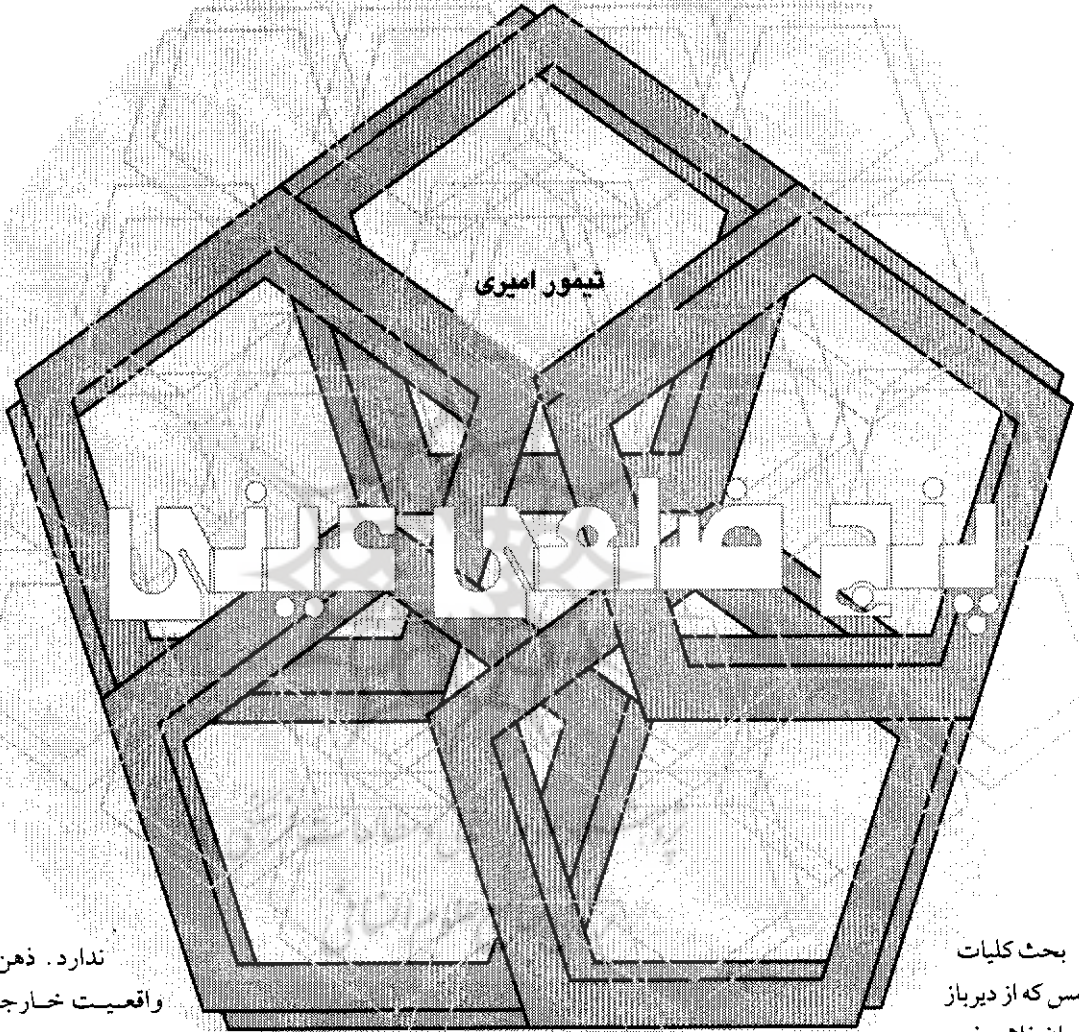


اشاره: نوشته حاضر به قصد آموزش آسان تر کلیات خمس نگاشته شده، هر چند به مناسبت بحث به محتوا نیز اشارتی دارد. امید است دقت نظر همکاران گرامی و دبیران ارجمند فلسفه و منطق جبران فشرده‌گی متن را بنمایند.



بحث کلیات

خمس که از دیرباز
در میان فلاسفه و

منطقیون محل مناقشه بوده، در مراکز علمی اسلام پیش از دیگر مراکز علمی دنیا مورد توجه قرار گرفته است. این که محتوای مناقشات این مبحث غامض چیست، سخنی است و این که به چه روشی آموزش داده شود، سخنی دیگر است. قصد این مقال سعی در تسهیل آموزش آن نه مناقشه در متن است. بدین منظور ابتدا چند نکته مقدماتی را یادآور می‌شود:

۱. کلیات خمس، پنج ضلعی ساخته ذهن از واقعیات عینی و حقایق خارجی است و به امور اعتباری هیچ ربطی

ندارد. ذهن از
واقعیت خارجی
صورت برداری می‌کند،

به آن کلیت بخشیده و به تجزیه و تحلیل آن می‌نشیند. اجزای کلی را به ذاتی و عرضی و سپس آن دورا به نوع و جنس و فصل و عرض عام و عرض خاص تقسیم می‌کند. از این رو باید گفت بحث کلیات خمس در علوم حقیقی جاری است نه در علوم اعتباری. ولذا سخن گفتن از ذاتی و عرضی در اخلاق، حقوق، اصول، ... و دین سخن لغوی است. مگر اینکه تعریفی دقیق از علم اعتباری مورد نظر ارائه شود و در حیطه آن تعریف قائل به ذاتی و عرضی شویم.

بحث کلیات

خمس که از دیرباز در میان فلاسفه و منطقیون محل مناقشه بوده، در مراکز علمی اسلام بیشتر از دیگر مراکز علمی دنیا مورد توجه قرار گرفته است.

کلیات خمس

پنج ضلعی ساخته ذهن از واقعیات عینی و حقایق خارجی است و به امور اعتباری هیچ ربطی ندارد.

۲. توجه به روند پیدایش کلیات خمس در نحوه آموزش آن نقش مهمی دارد. ذهن از دریچه حواس پنجگانه و با توجه به واقعیات عینی از اشیا صورت برداری می کند و در اولین حرکت خود

صور محسوس را می سازد. در این مرحله شیء بیرونی ما به ازای آن صورت محسوس به حساب می آید و انطباق نعل به نعل بین صورت ذهنی و شیء خارجی است. ولی صورت حسی استحقاق سعه یافتن دارد (= کلیت پیدا کردن) ولی نمونه خارجی این ویژگی را ندارد. ذهن در مرحله دوم به همان صورت محسوس سعه وجودی بخشیده به آن کلیت می دهد. کل حاصل شده را معقول اول (= مقولات عشر) گویند. مثل انسان معقول اول گرچه ما به ازای خارجی ندارد ولی نمونه ها و مصادیق فراوانی در خارج می توان برایش یافت. یعنی در حالی که مفهوم کلی امری ذهنی است، وصف خارج است. ذهن کار سعه بخشی خود را ادامه داده از روی معقولات اولی، صورت های جدیدی می سازد با برد و سعه بیش تر و ساختی ذهنی تر و بدون این که ردپایی در خارج داشته باشد. این دسته از معقولات به معقولات ثانی منطقی نام گذاری شده اند.^۲

رعایت گردش کار ذهن، آموزش کلیات را آسان تر می کند، چون قاعده آموزشی «از محسوس به معقول رفتن» را در خودش دارد.

۳. بحث کلیات خمس در واقعیات مادی صورت می گیرد. در اشیا مادی، ذهن پس از صورت برداری از یک

شیء بین صفات و ویژگی شیء تفاوت قایل می شود، بعضی را ذاتی و بعضی را عرضی تشخیص می دهد. اما در امور مجرد از ماده گرچه جواهرند ولی ذاتی و عرضی معنی ندارد. بلکه آنها صرفاً ذات اند. در آموزش باید سعی کرد توان تفکیک صفات از همدیگر و مرتب کردن آنها را در دانش آموز ایجاد کرد. این جا محل تحقیق دانش آموزی می تواند باشد. (به لوح نمایش توجه شود)

۴. گویند؛ «علم از سؤال خیزد و آموزش نیز هم» صحیح و منطقی سوال کردن ما را به علم می رساند. دلنشین و روشمند سؤال کردن آموزش را مقبول می گرداند. محتوای سؤال علم می دهد و چگونگی طرح سؤال روش.

سوالات علم ساز در سه حیطة جمع بندی می شوند. سؤال از هستی، سؤال از چرایی، و سؤال از چیستی. مباحث علم منطق، زاده دسته سوم سوالات است و در کلیات خمس به نحو خاصی اجرا می شود. اول از خود شیء بیرونی سؤال می شود که چیست (= ماهو)؛ سپس از جواب به دست آمده سؤال می شود که چیست (= ماهو الصفات الشئ)؛ در این مرحله برای یافتن صفات یا اجزای ماهیت باید به بررسی خصوصیات مصادیق توجه شود. از سؤال اول، نوع و از سؤال دوم، جنس و فصل و عرض عام و عرض خاص استخراج می گردد. و با توجه به روند پیدایش تک تک کلیات خمس تعریف هر کدام شکل می گیرد.

پس از یادآوری مقدمات بالا به «لوح نمایش» توجه شود تا روش تدریس توضیح داده شود. بدین منظور چند نکته به ترتیب آموزش ارائه می نمایم:

۱- تخته کلاس را به دو قسمت تقسیم می کنیم؛ در قسمت اول، مراحل مختلف جریان آموزش را ثبت می کنیم و در قسمت دوم، آموزش داده شده را به نمایش در می آوریم. این کار به ذهن دانش آموز شکل هندسی (= نظام هندسی) می بخشد تا به اطلاعات داده شده نظام می دهد.

۲- حتی الامکان در قسمت دوم لوح نمایش از گچ های رنگی استفاده کنید به گونه ای که جریان تجزیه و تحلیل ذهن تفکیک شده در ذهن دانش آموزان جای گزین شود. تفکیک مباحث هر درس، هنر درس منطق است؛ پس در خود درس منطق این هنر باید رعایت شود.

۳- هر شیء خارجی که در معرض حواس پنج گانه قرار گیرد، به طور خودکار صورتی از آن به ذهن منتقل می شود. این عمل ذهن را می سازد، مثل ظرفی که قطره قطره آب در آن می چکد.

۴- اطلاعات یا تصاویر منعکس شده در ذهن را در سه مرحله مورد توجه قرار می دهیم:

مرحله اول: تجزیه و تحلیل صور

این مرحله مشتمل بر دو سؤال از چستی است. یک بار اشاره به موجود خارج از ذهن می کنیم و می پرسیم: ما هو الشيء؟ پاسخ دانش آموزان یادداشت می شود. یک بار دیگر به خود جواب به دست آمده (= ماهیت) و مفهوم اشاره می کنیم و می پرسیم: ما هو المفهوم؟ یعنی این مفهوم از چه اجزایی تشکیل شده است و با کمک مصداق سؤال اول از دانش آموزان می خواهیم تا از خصوصیات آن شیء هر چه می دانند بگویند.

پس مرحله اول، ابتدا تشخیص حقیقت و هویت شیء است و سپس تحلیل یا یافتن ویژگی های آن.

مرحله دوم: دسته بندی اجزا

در این مرحله به کمک دانش آموزان رفته، به طبقه بندی مفاهیم و ویژگی ها می پردازیم.

ابتدا کمک می کنیم دو صفت مقدم و ریشه ای و آغازگر را بیابند. ^۳ (= جزء ذاتی). سپس با توجه به نسب اربع جزء مساوی و جزء عام را تشخیص می دهیم (= جزء مساوی، فصل و جزء عام را جنس نام می گذاریم) سپس مابقی

صفات که فرعی و تبعی

و مؤخر و

وابسته اند

(= جزء

عرضی) را

مورد

بررسی قرار

می دهیم. باز به

کمک نسب اربع

صفات مساوی را

رعایت

گردش کار ذهن، آموزش کلیات را آسان تر می کند، چون قاعده آموزشی «از محسوس به معقول رفتن» را در خودش دارد.

از صفات عام جدا می کنیم. (جزء عرضی مساوی را عرض خاص، و جزء عرضی عام را عرض عام می نامیم)

مرحله سوم: استخراج تعاریف

تعریف نوع، همان جواب سؤال اول است (= ماهیت). فصل و جنس و عرض عام و خاص از پی گیری جواب سؤال دوم به دست می آید.

تذکر: اگر به نیمه دوم لوح توجه کرده باشیم و با گنج رنگی پی گیری های جواب سؤال دوم را انجام دهیم، خود به خود تعاریف به دست می آید.

آنچه که جزء ذاتی ماهیت است و اختصاصی همان ماهیت می باشد فصل، و آنچه که جزء ذاتی ماهیت ولی عام تر از ماهیت است، جنس می باشد. به همین ترتیب عرض خاص و عرض عام هم تعریف می شود.

تذکر دیگر: به جای تمرین مفصل فقط چند ماهیت را برای دانش آموزان معین کنید (سه یا چهار ماهیت) که به طریق لوح نمایش تجزیه و تحلیل و طبقه بندی و سپس نام گذاری (جنس و فصل و ...) نمایند.

پاورقی ها:

۱- دین گرچه باطنی دارد که با تکوین و فطرت انسان هم نقش است و با انسان پیوند برقرار می کند (= حقیقت دین) ولیکن آنچه که شریعت نامیده می شود و از دین ظاهر می باشد همان بایدها و نیایدهایی است که برای تعدیل قوای انسان و رساندن آن به فطرت سلیم تشریح شده است. این تشریح از آن جهت که مشتمل بر قوانین و احکامی است، اعتباری به شمار می رود.

۲- در آخرین مرحله، ذهن معقولات ثانی دیگری می سازد که به معقولات ثانی فلسفی معروفند. این دسته از معقولات فراتر از معقولات ثانی منطقی بوده، ذهن دور شده از واقعیات عینی را به خارج و واقعیات بیرون از ذهن پیوند می دهد.

۳- در جای خود و در کتب مفصل منطقی به اثبات رسیده است که تنها دو «ذاتی» می توانیم داشته باشیم. یکی ریشه و ساخت ماهیت با اوست و عمومیت دارد و جنس نام می گیرد. و دیگری عامل اصلی جدایی و معیاری ماهیتی از ماهیات دیگر است که فصل یا جداکننده نام گرفته است.

برای اطلاع بیشتر به کتاب های «رهر خرد» و «اساس الاقتباس» مراجعه نمایید.

موجود بیرونی

حواس پنج گانه، مثل چشم

تجزیه و تحلیل

ماهور؟ (= جواب = ماهیت)

مفهوم انسان

ماهور (= جواب از ماهیت) یا چه به مع

ذهن

صفات انسان

مفهوم انسان

جواب داشتن: دیده، راه رونده، سالم، بیمار، خندان، شاد، متعجب، متأسف، متأثر، دوپا، پشهک، متفکر، عاطفی، بهتس، معلم، باسود، بی سواد، چاق، لاغر، بلند، کوتاه، مخترع، سبک، آواز خوار، ناسن بیان، مقلد، مبتکر و ...

دسته بندی

۱- دو صفت که مقدم تر از دیگر صفاتند، انتضات کنید (= صفات یا اجزای نامی)

۲- در میان صفات ذاتی کدام را نام ببرید؟ (= جنس و فصل)

۳- مابقی صفات چه نام دارند؟ (= صفات یا اجزای عرضی)

۴- در میان صفات عرضی، هموس ها را از اختصاصی ها تفکیک نمایید. (عرض عام و عرض خاص)

استخراج تعریف

- ۱- نوع کدام تصور است؟ تعریفش چیست؟
- ۲- جنس کدام تصور است؟ تعریفش چیست؟
- ۳- فصل کدام تصور است؟ تعریفش چیست؟
- ۴- عرض عام کدام تصور است؟ تعریفش چیست؟
- ۵- عرض خاص کدام تصور است؟ تعریفش چیست؟

